



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



توسل

متن دعای

با صدای
حاج غلامرضا سازگار



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

متن دعای توسل با صدای حاج غلامرضا سازگار

نویسنده:

شیخ عباس قمی (ره)

ناشر چاپی:

برهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۷ | متن دعای توسل با صدای حاج غلامرضا سازگار |
| ۷ | مشخصات کتاب |
| ۷ | اشاره |
| ۷ | متن |
| ۸ | ترجمه |
| ۹ | دعای توسل و روضه محمد و آل محمد (ص) |
| ۹ | مشخصات کتاب |
| ۹ | مقدمه |
| ۱۰ | روضه و مصیبت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله |
| ۱۰ | نوحه و سینه زنی |
| ۱۱ | روضه و مصیبت حضرت امام علی علیه السلام |
| ۱۱ | نوحه و سینه زنی |
| ۱۱ | روضه و مصیبت حضرت زهرا ام الائمه علیها السلام |
| ۱۲ | نوحه و سینه زنی |
| ۱۲ | روضه و مصیبت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام |
| ۱۲ | نوحه و سینه زنی |
| ۱۳ | نوحه و سینه زنی |
| ۱۳ | روضه و مصیبت حضرت امام زین العابدین علیه السلام |
| ۱۴ | نوحه و سینه زنی |
| ۱۴ | روضه و مصیبت حضرت باقرالعلوم علیه السلام |
| ۱۴ | نوحه و سینه زنی |
| ۱۴ | روضه و مصیبت حضرت امام صادق علیه السلام |

- ۱۵ نوحه و سینه زنی
- ۱۵ روضه و مصیبت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
- ۱۶ روضه و مصیبت حضرت امام رضا علیه السلام
- ۱۶ نوحه و سینه زنی
- ۱۶ روضه و مصیبت حضرت امام جواد علیه السلام
- ۱۷ نوحه و سینه زنی
- ۱۷ روضه و مصیبت حضرت امام هادی علیه السلام
- ۱۸ نوحه و سینه زنی
- ۱۸ روضه و مصیبت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
- ۱۸ نوحه و سینه زنی
- ۱۹ فراق امام زمان
- ۱۹ نوحه و سینه زنی
- ۱۹ دعای توسل
- ۲۰ پی نوشتها
- ۲۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

متن دعای توسل با صدای حاج غلامرضا سازگار

مشخصات کتاب

سرشناسه: قمی عباس ۱۲۵۴ - ۱۳۱۹. عنوان قراردادی: مفاتیح الجنان. فارسی - عربی. برگزیده عنوان و نام پدیدآور: منتخب مفاتیح الجنان تالیف عباس قمی [به خط محمد باقر شریف . مشخصات نشر: تهران برهان ۱۳۷۹. مشخصات ظاهری: [۵۱۲] ص ۹×۱۲/۵ س.م. شابک: ۶۵۰۰ ریال ۹۶۴-۶۰۷۲-۲۱-۶؛ ۷۰۰۰ ریال چاپ دوم؛ ۷۵۰۰ ریال چاپ سوم یادداشت: فارسی - عربی یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۰. یادداشت: چاپ سوم ۱۳۸۱. یادداشت: عنوان روی جلد: مفاتیح الجنان عنوان روی جلد: مفاتیح الجنان موضوع: قرآن. برگزیده‌ها - ترجمه‌ها موضوع: دعاها موضوع: زیارتنامه‌ها رده بندی کنگره: BP۲۶۷/۸ /ق/۹ م ۷۰۴۲۱۲۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲ شماره کتابشناسی ملی: م ۷۹-۱۱۵۶۳

اشاره

دوم دعای توسل علامه مجلسی رحمه الله علیه فرموده که در بعضی از کتب معتبره نقل کرده‌اند از محمد بن بابویه که این دعای توسل را از ائمه روایت کرده است و گفته است که در هیچ امری نخواندم مگر آنکه اثر اجابت را بزودی یافتم این است دعا

متن

DOA-TAVASOOL-haj-gholam-reza-sazegar.mpr۳~ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ^ M۰۱.png اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ وَ اَتُوْجِّهُ اِلَیْكَ بِنَبِیِّكَ نَبِیِّ الرَّحْمٰنِ مُحَمَّدٍ صِدِّیْكَ اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ وَ اَبَا الْقَاسِمِ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ یَا اِمَامَ الرَّحْمٰنِ یَا سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهُ عِنْدَ اللّٰهِ اَشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ یَا اَبَا الْحَسَنِ یَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ یَا عَلِیَّ بْنَ اَبِی طَالِبٍ یَا حُجَّهَ اللّٰهِ عَلَیْ خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهُ عِنْدَ اللّٰهِ یَا فَاطِمَةَ الرَّهْرَءِ یَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ یَا قُوْرَةَ عَیْنِ الرَّسُوْلِ یَا سَیِّدَتَنَا وَ مَوْلَاتَنَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهَةُ عِنْدَ اللّٰهِ اَشْفَعِیْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ یَا اَبَا مُحَمَّدٍ یَا حَسَنَ بْنَ ^ M۰۲.png عَلِیٍّ اُیْیْهَا الْمُجْتَبِیِّ یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ یَا حُجَّهَ اللّٰهِ عَلَیْ خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهُ عِنْدَ اللّٰهِ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ یَا حُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ اُیْیْهَا الشَّهِیْدُ یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ یَا حُجَّهَ اللّٰهِ عَلَیْ خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهُ عِنْدَ اللّٰهِ یَا اَبَا الْحَسَنِ یَا عَلِیَّ بْنَ اَبِی طَالِبٍ یَا اَبَا الْحَسَنِ یَا حُجَّهَ اللّٰهِ عَلَیْ خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهُ عِنْدَ اللّٰهِ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ یَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ اُیْیْهَا الصّٰدِقُ یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ یَا حُجَّهَ اللّٰهِ عَلَیْ خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهُ عِنْدَ اللّٰهِ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ یَا حُجَّهَ اللّٰهِ عَلَیْ خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهُ عِنْدَ اللّٰهِ یَا اَبَا الْحَسَنِ یَا عَلِیَّ بْنَ مُوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ اُیْیْهَا الْكَاظِمُ یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ یَا حُجَّهَ اللّٰهِ عَلَیْ خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهُ عِنْدَ اللّٰهِ یَا اَبَا الْحَسَنِ یَا عَلِیَّ بْنَ مُوْسَى اُیْیْهَا الرُّضَا یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ یَا حُجَّهَ اللّٰهِ عَلَیْ خَلْقِهِ یَا سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ قَدَمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یَا وَجِیْهُ عِنْدَ اللّٰهِ اَشْفَعْ لَنَا عِنْدَ

ای حجت خدا بر خلق ای سید و مولای ما همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرتت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم ای آبرومند نزد خدا ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما ای ابا الحسن ای علی بن موسی الرضا ای فرزند پیغمبر خدا ای حجت خدا بر خلق ای سید و مولای ما همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرتت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم ای آبرومند نزد خدا ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما ای ابا جعفر ای محمد بن علی ای تقی جواد ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای سید و مولای ما همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرتت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم ای آبرومند نزد خدا ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما ای ابا الحسن ای علی بن محمد ای هادی نقی ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای سید و مولای ما همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرتت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم ای آبرومند نزد خدا ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما ای ابا محمد ای حسن بن علی ای زکی عسکری ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای سید و مولای ما همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرتت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم ای آبرومند نزد خدا ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما ای وصی حضرت حسن عسکری ای جانشین حجت الهی ای قائم منتظر مهدی ای فرزند رسول خدا ای حجت خدا بر خلق ای سید و مولای ما همه ما رو به تو آورده‌ایم و به حضرتت متوسل شده و تو را شفیع خود به درگاه خدا آورده‌ایم و تو را برای انجام حاجاتمان نزد خدا مقدم داشته‌ایم ای آبرومند نزد خدا ما را پیش حضرت حق شفاعت فرما - ای سید و مولای و امامان من من از روی خلوص رو به شما آورده‌ام که پیشوایان من هستید و ذخیره من برای روز فقر و حاجتم بسوی خدا خواهید بود و به شما متوسل شده‌ام به درگاه خدا و شما را برای خود نزد خدا شفیع آورده‌ام پس مرا نزد حضرت حق شفاعت کنید و نجاتم دهید از عقاب و کیفر گناهانم که شما بزرگواران وسیله نجات من نزد خدا هستید و به دوستی شما و تقرب به شما امید نجات دارم از خدا پس مایه امیدواری من نزد خدا شوید ای پیشوایان من ای اولیاء خدا درود خدا بر همه شما باد و لعنت خدا بر ستمکاران در حق شما که دشمنان خدا هستند از اولین و آخرین خلق این دعا را ای پروردگار عالمیان اجابت فرما.

دعای توسل و روضه محمد و آل محمد (ص)

مشخصات کتاب

سرشناسه : میرخلف‌زاده علی ۱۳۴۳- عنوان قراردادی : دعای توسل فارسی - عربی عنوان و نام پدیدآور : دعای توسل و روضه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله علی میرخلف‌زاده مشخصات نشر : قم محمد و آل محمد (ص ۱۳۸۲). مشخصات ظاهری : [۷۲] ص شابک : ۱۰۰۰۰ریال (چاپ دوم) یادداشت : فارسی - عربی یادداشت : چاپ دوم : ۱۳۸۵. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع : دعای توسل موضوع : روضه‌خوانی موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴. موضوع : شعر مذهبی - قرن ۱۴. رده بندی کنگره : ۴/۲۶۰/۴BP/۷۵۹ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۴ شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۱۳۰۶۲

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم لعالمين والعاقبة لاهل التقوى واليقين الصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيب اله العالمين ابي القاسم محمد صلى الله عليه وآله المعصومين الذين اذهب الله عنهم الرجس (اهل البيت) وطهرهم تطهيرا سيما ناموس الدهر وولى

الامر روحی و ارواح العالمین له الفداء . حمد و سپاس بی انتها مخصوص پروردگاریست که محبت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در قلبم نهاد و بر این بنده کوچک منت گذاشت و طین مارا با ولایت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله عجین فرمود و درود بی حد ، بر محمد و آل محمد صلی علیه و آله و سلم که ما را مورد لطف و عنایات خودشان قرار دادند که بتوانیم قطره ای از مصائب آنها را بدید و سمع خوانندگان برسانیم . یکی از علائمی که از شعائر و نشانه های تقوی و رشد معنوی است ، عزاداری و سوگواری و نوحه سرایی و گریه برای محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله است و به قول آقا امام صادق علیه السلام که فرمود : هر کس مصیبت‌های ما را یاد کند یا مانزد او یاد آور شویم و به اندازه بال مگسی برای ما اشک بریزد ، خدا تمام گناهان او را گرچه به اندازه کف دریا باشد می بخشد . هر کس برای مظلومی ما و ظلمی که به ما شده مهموم و مغموم و گریان شود و برای ما آه بکشد خدای سبحان ثواب تسیح به او می دهد ، و حزنش برای ما عبادت است ، هر کس چشمش گریان شود برای خونی که از ما ریخته شده یا حقی که از ما گرفته شده یا حرمت و شخصیت ما را هتک کرده شده ، خداوند همیشه جای او را در بهشت قرار میدهد . فتم جزوه ای بنویسم که از روی آن خوانده شود و شیعه ای گریه کند و ما را در ثواب اندازد البته این مجموعه مختصر بنام روضه محمد و آل محمد صلی علیه و آله سلم است که انشاء الله اگر خدا توفیق داد یک کتاب کامل در این زمینه نوشته خواهد شد ، (بنام روضه الشهداء یا روضه و مصیبت نامه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله) انشاء الله مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار و ثواب این مختصر به روح تمام شهدا و علماء و فضلا و امام راحل و برادر شهیدم شیخ احمد میرخلف زاده واصل گردد . روضه خوان محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله علی میرخلف زاده ۶/۶/۸۱

روضه و مصیبت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله

عَلَيْهِ وَآلِهِ ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . ای دل بیا که موسم آه و فغان رسید یعنی عزای خاتم پیغمبران رسید اسلام خوار و عزت ایمان به باد رفت از این مصیبتی که به اسلامیان رسید خدا لعنت کند آن زن یهودیه ای را که توی غذای پیغمبر زهر ریخت ، آخه ، این چه زهری بود که پیغمبر را آب کرد و توی بستر انداخت و هی بهوش میاید و هی از هوش میره . آقا رسول الله صلی الله علیه و آله صدا زد : همه از اطاق و حجره بیرون برند ، به ام سلمه فرمود : دم دراطاق بایست ، نگذار کسی وارد اطاق بشه . صدا زد : یا علی نزدیک من بیا ، می خوام با تو خدا حافظی کنم ، آخه وقت وداع . بعد دست میوه دلش ، نور دیده اش زهرا علیها السلام را گرفت به سینه اش چسباند ، دست برادرش علی علیه السلام را گرفت ، همینطور توی صورت علی و زهرا علیهما السلام نگاه می کرد و قطرات اشک از چشمهای مبارکش می ریخت ، می خواست حرف بزنه ، بعض راه گلوش را میگرفت و نمی توانست صحبت کند . صدای گریه اهل بیت بلند شد . علی علیه السلام سر پیغمبر تو دامنش گذاشت ، آخه لحظه های آخر عمر پیغمبر . بی بی فاطمه علیها السلام صدا زد؛ یا رسول الله با گریه ات دلم را پاره پاره کردی ، جگرم را سوزاندی ، سینه پر حسرتم را آتیش زدی ، پیغمبر بی بی را به سینه اش چسباند و روی فاطمه علیها السلام را هی می بوسید و هی گریه می کرد . امام حسن و امام حسین علیهما السلام را توی بغلش گرفت و صدای الوداع الوداع ، و گریه و خروش و شیون الوداع از زمین و آسمان بلند بود . . . (۱) یک قدم بریم کربلا ، آی گرفتارها ، آخ من بمیرم برای آن دختری که خواست از بدن باباش حسین خدا حافظی کنه ، خودش را انداخت روی بدن پاره پاره باباش حسین علیه السلام . . . آمد صورت پدرش را بوسه دید باباش سر در بدن ندارد . . . (۲)

در ماتم ختم رُسل عالم گرفته مولا امیرالمؤمنین ماتم گرفته و او یلتا و او یلتا یارسول الله گم گشته در غبار غم شهر مدینه مولا علی بر سر زند، زهرا به سینه او یلتا و او یلتا یارسول الله خیز و نظر کن بر حسن یارسول الله لبهای او را بوسه زن یارسول الله و او یلتا و او یلتا یارسول الله خیز و حسنینت رابگیر همچو جان در بر زیر گلویش را ببوس یکبار دیگر و او یلتا و او یلتا یارسول الله دیدی چگونه داده شد اجر پیغمبر بیت الولا- آتش گرفت الله اکبر و او یلتا و او یلتا یارسول الله آتش کشد از خانه مولا زبانه صاحب عزا را می زند با تازیانه (۳) یا ابا الحسن یا امیر المؤمنین یا علی بن ابی طالب، یا حُجَّهَ الله علی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى الله وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا، یا وَجِیْهًا عِنْدَ الله اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ الله .

روضه و مصیبت حضرت امام علی علیه السلام

کوفه رابگرفته موج اشک و ماتم در عزای اولین مظلوم عالم لاله گون دامان محراب دعا شد شاهد مظلومی شیر خدا شد آخ من بمیرم برای آن آقای مظلومی که تا خواست سراز سجده نماز نافله صبح برداره . یک وقت ابن مجلم لعین شمشیر زهر آلودش را چنان بر فرق سر آقا علی علیه السلام فرود آورد که تاپیشانی فرق شکافته شد . زمین و آسمان به لرزه درآمد و صدای خروش و شیون ملانکه های آسمان بلند شد و جبرئیل صدا می زند : ای وای بخدا ارکان هدایت در هم شکسته شد . . . علی مظلوم کشته شد . . . جبرئیل گوید کشته شد مولا . . . آه او یلتا آه او یلتا صدای ناله علی علیه السلام بلند شد ، بخدای کعبه رستگار شدم . تا صدای علی علیه السلام را مردم شنیدند همه بطرف محراب دویدند ، دیدند آن حضرت میان محراب افتاده و هی خاکهارابر می داره و روی شکاف سرمی گذاره . تا این صدا را ام کلثوم دختر علی علیه السلام شنید ، هی دیدند توی صورتش می زنه و گریبان چاک می کنه ، فریاد میزنه : وا ابتا و اعلیا و محمدا و سیدا ، امام حسن و امام حسین علیهما السلام تا شنیدند از خانه بیرون آمدند ، دویدند طرف مسجد ، دیدند مردم دور علی علیه السلام را گرفتند ، دارند گریه و زاری و نوحه سرایی می کنند ، خودشان را دارن میزنند ، صدای و اماماه و اعلیا شون بلند . (۴) یک تُکِ پا کربلا برویم ، آی حسینی ها ، آقایان عزیز خواهران عزادار ، یک جا اینجا بود که ام کلثوم تو صورتش می زد ، یک روز هم دید دور حسین علیه السلام گرفتند ، یکی سنگ می زند ، یکی شمشیر می زند ، یکی نیزه می زند ، دیدند ام کلثوم داره می دود و توی صورتش می زند . . . آی حسین . (۵)

نوحه و سینه زنی

مسجد کوفه لاله گون گشته تارک مولا غرق خون گشته جبرئیل گوید : کشته شد مولا آه او یلتا آه او یلتا اشک گلگون از دیده ها ریزد آه جانسوز از سینه هاخیزد اولین مظلوم رفت از این دنیا آه او یلتا آه او یلتا پهنه عالم زین جفا لزد جن وانس امشب چون سما گرید زین مصیبت شد بزم غم برپا آه او یلتا آه او یلتا شد خموش امشب شمع کاشانه خانه مولا گشته غم خانه موپریشان شد زینب کبری آه او یلتا- آه او یلتا- هم حسین گرید هم حسن گرید شیعه را امشب مرد و زن گرید همچو کلثوم از هجرت بابا آه او یلتا آه او یلتا (۶) یا فاطمَةُ الرَّهْرَاءِ یا بِنْتَ مُحَمَّدٍ یا قُرَّةَ عَیْنِ الرَّسُولِ ، یا سَیِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى الله وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا، یا وَجِیْهَةً عِنْدَ الله اِشْفَعِ لَنَا عِنْدَ الله ،

روضه و مصیبت حضرت زهرا ام الائمه علیها السلام

بودی چراغ خانه ام زهرا ، یازهرا تاریک شده کاشانه ام زهرا ، یازهرا گوید حسین کو مادرم زهرا ، یازهرا کو مادر غم پرورم زهرا ، یازهرا ای نوگل پژمرده ام زهرا ، یازهرا سیلی ز دشمن خورده ام زهرا ، یازهرا بمیرم : نگذاشتند ، آب غسل پیغمبر خشک بشه ، یک وقت عمر دستور داد یک مشت هیزم بیارند و در خانه زهرا بریزند و در خانه زهرا علیها السلام را آتیش بزنند . نگذاشتند آب

غسل پیغمبر خشک بشه ، بمیرم درنیم سوخته را عمر هُل داد و بی بی فاطمه علیها السلام را بین در و دیوار قرار داد و آنقدر در را فشار داد که صدای ناله بی بی بلند شد : (يَا أَبَتَا يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَهَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ بِحَبِيبَتِكَ وَابْنَتِكَ) بابا یارسول الله بین باحیبه و دختر و میوه دلت چه کردند . نگذاشتند آب غسل پیغمبر خشک بشه ، جلوی علی ، فاطمه علیها السلام را کتک زدند و بازویش را شکستند ، خیلی سنگین برای مرد که زنش را جلوش کتک بزنند و آن مرد نتونه کاری انجام بده ، جلوی زهرا طناب گردن علی علیه السلام بیندازند ... یازهرا ... یازهرا (۷) .

نوحه و سینه زنی

بال و پر زد فاطمه در پشت در شد فدا ما در به همراه پسر ما در افتاد از نوا غنچه شد از گل جدا فاطمه یافاطمه سینه ای کو را پیغمبر بوسه زد میخ داغ در هم آخر بوسه زد بر بهشت مصطفی بوسه زد میخ ای خدا فاطمه یافاطمه پشت درب خانه افتاد از نفس گفت یافضه بفریادم برس فضه پهلویم شکست محسنم در خون نشست فاطمه یافاطمه یامحمد لاله ات پژمرده شده سینه ات از میخ در آزرده شده کشته شد زهرا تو ام ایهای تو فاطمه یافاطمه یا ابا مُحَمَّد یا حَسَنَ بَنِ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ شَفَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ ،

روضه و مصیبت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

یارب امام مجتبی مسموم کین شد قلب شریفش پاره اندر راه دین شد آمد ببالینش حسین با چشم گریان زینب از این ماتم شده زار و پریشان اندر جان زهرا سیه پوش و غمین است بهر حسن افسرده و زار و حزین است هر مردی تو زندگیش هر دردی داشته باشه ، اول زنش خبردار می شه ، من بمیرم برای امام حسن علیه السلام که توی خانه اش هم غریب بوده ، یک وقت صدا زد ، کنیزها بگوئید زینب بیاید ، بی بی آمد ، صدا زد : حسنم چه شده ؟ فرمود : خواهرم ، حالم منقلب است ، برو زود حسینم را خبر کن . بی بی آمد توی محله بنی هاشم ، در این خانه رامی زند ، حسینم داداش بیا ، عباس بیا ، عون بیا ، جعفر بیا ، همه بیاید ، ببینید حسنم چشمه ؟ ریختند دور بستر امام حسن علیه السلام ، یک دفعه آقا صدا زد : خواهرم ، زینب برو برام یک طشت بیار ، رفت یک طشت آورد ، آقا سرش را توی طشت کرد ، تا سر بلند کرد دیدند پاره های جگرش داخل طشت است . ای اُف بر توای روزگار دو طشت به زینب نشان دادی ، میان یک طشت پاره های جگر امام حسن علیه السلام ، حسینی ها بگم آتیش بگیری ، میان یک طشت هم سربریده حسین ... (۸)

نوحه و سینه زنی

گریه کن ای شیعه باصوت حَزَن از برای قلب سوزان حسن علیه السلام جعده ملعون از زهر جفا زد شرر بر جسم و جان مجتبی علیه السلام سوده الماس را آن بی حیا ریخت و در کام عزیز مصطفی صلی الله علیه و آله پیش روی خواهرش با چشم تر ناله بنمود از سوز جگر پاره های قلب خود با صد مَحَن از دهان می ریخت شاه مُمْتَحَن دید زینب را اشاره می کند با دو چشمانش نظاره می کند از غم جانسوز مولانا حسن شد زمین و آسمان بیت الحزن آه و وایلا که شد با شور و شین بی برادر شاه مظلومان حسین (۹) یا ابا عَبْدِ اللَّهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ شَفَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ ، رَوْضَه وَ مَصِيبَتِ حَضْرَتِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرِبَلَا وَارِدَ بِكُوَيْتِ شَدَّ حُسَيْنٌ مِيهَمَانَ اَنْدَرِ سَرَايَتِ شَدَّ حُسَيْنٌ بِالْبُؤْسِ وَ عَلِيًّا كَبْرَشِ وَارِدَ مَهْمَانَسَرَايَتِ شَدَّ حُسَيْنٌ زَيْنَبُ وَ كَلْثُومُ وَ زَنْهَاءُ حَرَمِ عَازِمِ بَزْمِ بِلَايَتِ شَدَّ حُسَيْنٌ اِي زَمِيْنِ زَانَهَا پَذِيْرَائِي نَمَا چُونِ مَقِيْمِ نِيْنُوَايَتِ شَدَّ حُسَيْنٌ خُدَا قَافِلَه دَارِدِ مِي آيِدِ كَرِبَلَا ، يَكِ وَقْتِ رَسِيْدِنَا بَه

جائی دیدند اسب امام حسین علیه السلام قدم از قدم بر نمی داره . اسبش را عوض کردند ، دیدند راه نمی رود . اسب دیگری آوردند ، آقاسوار شد ، دیدند ، قدم نمی زند . یک وقت جوانها گفتند : آقا چرا این اسبها راه نمی روند . فرمود : ببینید از این عربهای بادیه نشین کسی هست در این سرزمین ، اسم این زمین را بلد باشد . پیرمردی را آوردند ، فرمودند : بابا اسم این زمین را می دانی ؟ گفت : بله آقا ، این زمین چند تا اسم داره ، قادسیه ، غاضریه ، شاطی ء فرات ، آقا فرمود : اسم دیگری ندارد ؟ چرا آقاینوا هم می گویند . آقا فرمود : اسم دیگری ندارد ؟ چرا آقا اینجا را کربلا هم می گویند . فرمود : آی جوانها ، بارها راپابین بیارید ، بار به منزل رسیده . . . بار بکشائید اینجا کربلاست آب و خاکش با دل و جان آشناست السلام ای سرزمین کربلا السلام ای منزل نور خدا السلام ای وادی دلجوی عشق وه چه خوش می آید اینجا بوی عشق یک وقت صدا زد : ای برادرها ، ای پسر برادرها ، ای محرمها ، اول بروید زینب را پیاده کنید . آمدند ، دور محمل خانم را گرفتند ، محترمانه زینب را پیاده کردند . اف بر تو ای روزگار ، چند روزی بیشتر نگذشت ، باز همین زینب خواست سوار شود ، هر چه نگاه کرد ، دید یکنفر نیست کمکش کند . خدا یک وقت رویش را برگرداند طرف گودال قتلگاه ، صدا زد : حسین جان بلند شو زینب را سوار کن . (۱۰)

نوحه و سینه زنی

شه فرود آمد بدشت کربلا- گفت پس با آن زمین پُر بلا ای زمین ای تربت عنبر سرشت ای تربت برتر از خاک بهشت ای زمین از عرش اعلا برتری چون مقام زاده پیغمبری بعد از این خاک تو باشد مدفنم تا قیامت در تو باشد مسکنم سوی تو از مکه نازان آدمم خود نه تنها با جوانان آدمم تا در تو جان فانی کنم در تو هفتاد و دو قربانی کنم این من و این اکبر و این اصغرم قاسم و عباس و عون و جعفرم حالیا بر گو مرا مدفن کجاست مدفن قربانیان من کجاست راست بر گو ای زمین اندر کجا دست عباسم شود از تن جدا در کجا بر جان من آذر زنند تیر بر حلق علی اصغر زنند گو بمن قبر علی اکبر کجاست حجله گاه قاسم مضطر کجاست بر گلوی من کجا خنجر کشند از سر زینب کجا معجر کشند در کجا جسم مرا عریان کنند پیامالم از سم اسبان کنند (۱۱) یا اَبَا الْحَسَنِ یا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ، یا زَيْنَ الْعَابِدِينَ یا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، یا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ ،

روضه و مصیبت حضرت امام زین العابدین علیه السلام

رهبر راه خدا سجاد زین العابدین گوهر بحر صفا سجاد زین العابدین نام او باشد علی بابش شهید حق حسین در دو عالم رهنما سجاد زین العابدین آقا امام سجاد علیه السلام توی این چند سال عمری که داشتند زجرها و رنجها و سختیها و اذیتهای زیادی کشیدند ، منجمله از کربلا بگم : حضرت از شدت مریضی و بیماری روی زمین افتاده بود که شمر وارد خیمه شد و تصمیم گرفت آقا امام سجاد را بکشد که بی بی زینب خودش را روی حضرت انداخت و فرمود : اول مرا باید بکشی بعد آقا را یکی ، از کربلا- تا شام روی ناقه های عریان با تن تب دار و مریض و پا و دست و گردن رابه غل و زنجیر یکی ، توی کوفه مجلس ابن زیاد ، آنملعون گفت : این مرد کیست ، او را بکشید که باز بی بی زینب جلو آمد یکی هم مجلس یزید لعین ، یزید پلید با چوب خیزران بر لب و دندان حسین علیه السلام دل سودا زده ام ناله و فریاد کند هر زمان یاد غم سید سجاد کند بی گمان اشک به رخساره بریزد از چشم هر که یادی ز گرفتاری سجاد کند آقا تا چهل سال همه اش گریه می کرد ، هر وقت غذا جلوش می گذاشتند گریه می کرد ، آب می دید گریه بیشتر می شد ، گوسفندی زبح می کردند آقا با شدت گریه می کرد . یکی از غلامان گفت : فدات بشم آقا میترسم از زیادی گریه از بین بروی . . . آقا می فرمود : چطور گریه نکنم در حالی که مقابل خودم پدرم را قطعه قطعه کردند برادرانم را پاره پاره کردند فامیلم را . . . آه بمیرم من نمیدانم این چه زهری بود که ولید (هشام) بن عبدالملک

به حضرت خورائید و آقا را مسموم کرد، که آقا هی بخودش می پیچید هی از هوش می رفت و دوباره بهوش می آمد و سوره واقعه می خواند... (۱۲)

نوحه و سینه زنی

غرق ماتم دل اهل یقین است داغ عظمای زین العابدین است و شهیدها و شهیدها قلبش از زهر کین شد پاره پاره از دل فاطمه خیزد شراره و شهیدها و شهیدها آنکه آزرده از شام بلا بود رهبر کاروان اسراء بود پیکر پاک او دارد نشانه پور زهرا کجا و تازیانه و شهیدها و شهیدها گه بزدان و گه گوشه ویران عمرش از داغ یاران شد بیابان همسفر با سر پاک شهیدان شد نوازشگر قلب یتیمان و شهیدها و شهیدها (۱۳) یا ابا جعفر یا محمد، بِنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلَقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

روضه و مصیبت حضرت باقر العلوم علیه السلام

پنجمین اختر برج ولایت کشته شد مهدیا سرست سلامت کشته مولا چو از زهر جفا شد سوگواری از غمش ارض و سما شد قلب شیعه نشان دارد ز داغش جان بقران قبر بی چراغش از جفای هشام عالم غمین شد چون بسوی جنان مولای دین شد مهدی فاطمه بر تربت او می فشاند سراسر شک از غربت او (۱۴) آخ بمیرم، زینی را زهر آلود کردند، و به امر خلیفه ملعون (عبدالمک مروان) روی اسب گذاشتند و گفتند: باید آقا امام باقر علیه السلام سوار بر آن بشه، آخ بمیرم، حضرت را بااصرار سوار بر اسب کردند، یک ساعتی نگذشت که آقا پیاده شد، حال آقا را منقلب دیدند، آقا از درد پا به خود می نالد، (لا اله الا الله) این زهر چقدر قوی بوده که تمام بدن آقا ورم کرد و از درد بدن از حال و هوش می رفت، درد تمام بدن فرزند زهرا را فرا گرفته، این زهر چه زهری بود که به سه روز نکشید که دیدند آقا جان داده. حضرت به امام صادق علیه السلام وصیت کرده بودند، پسرم، جعفرم، اگر از این دنیا رحلت کردم، بده تا ده سال در ایام حج در منی برام عزادری کنند... بخاطر اینکه بچه های زهرا علیها السلام برای پدرشان دلتنگی نکنند و جای پدرشان راتاریک نبینند، امام صادق بعد از رحلت پدر بزرگوارشان امام باقر علیه السلام، هر شب چراغی توی اطاق پدر بزرگوارشان روشن می کردند. (۱۵) ولی دلها بسوز برای آن بچه هایی که شام عاشورا در آن تاریکی های بیابان روی خارهای مگیلان می دویدند و بابا بابا می کردند....

نوحه و سینه زنی

شد حضرت باقر مسموم اعدا شهر مدینه شد یکباره غوغا و اوایلا و اوایلا، آه و اوایلا در ماتمش شیعه محزون و زار است در سوگ جانسوزش دل ها فکار است شد در جهان خاموش اختر دلها آه و اوایلا، آه و اوایلا و اوایلا و اوایلا، آه و اوایلا آنکو که با دین جدش پیمبر و ز نور علم خود عالم منور نموده با امر خلاق یکتا آه و اوایلا آه و اوایلا و اوایلا و اوایلا، آه و اوایلا آن رهبری کاندرا کربلا بود خود شاهد جنگ خون خدا بود با داغ مولا رفت از دار دنیا آه و اوایلا آه و اوایلا و اوایلا و اوایلا، آه و اوایلا بر حضرت باقر گرم عزائم از داغ جانکاهش نوحه سرانیم سرشک غم باریم از هجر مولا آه و اوایلا آه و اوایلا و اوایلا و اوایلا و اوایلا (۱۶) یا ابا عبد الله یا جعفر بن محمد، أَيُّهَا الصِّادِقُ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلَقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

روضه و مصیبت حضرت امام صادق علیه السلام

مجری احکام حق قرآن ناطق کشته شد نوح آل مصطفی امام صادق کشته شد میوه قلب نبی چشم چراغ بوتراپ پیکرش از آتش زهر ستم گردیده آب آن ولی حق که باشد خلق عالم را شفیع از چه یا رب تربتش زائر ندارد در بقیع بخاطر اینکه بچه های زهرا علیه السلام را بیشتر اذیت و آزار و شکنجه روحی و جسمی دهند ، کارهای فوق العاده ای میکردند ، نیمه های شب همه خوابند ، منصور دوانقی (لعنة الله عليه) دستور داد بریزند منزل آقا امام صادق و با همان حال حضرت را به دارالخلافه بیاورند ، آن مامور خود فروخته درباری نیمه های شب ، با سر برهنه این پیرمرد الهی را بدون هیچ پوششی پیش آن لعین می برد ، آن لعین به آن حضرت جسارت و خشونت و بی ادبی می کرد . خدا لعنت کند منصور دوانقی را ، دستور داد امام صادق را زهر بدهند ، انگوری را بزهر آلوده کردند و حضرت را مسموم کردند ، آخ بمیرم این چه زهری بود که آقا را بستری کرد تمام گوشتهای بدن حضرت را آب کرد ، و حالشان خیلی وخیم و بد شد و ایشان را ضعیف و لاغر کرد . می گوید : رفتم به دیدن آقا دیدم فرزند زهرا لاغر و نحیف و ضعیف شده تمام گوشتهای بدن ریخته ، از شدت درد ، هی بیهوش می شد و هی بهوش میاد از شدت ناراحتی گریه ام گرفت . یک روز منصور لعین دستور داده بود خانه امام صادق علیه السلام را آتش بزنند ، می گوید دیدم آقا خیلی ناراحت و گریان است ، گفتم قربانت بشوم چرا گریه می کنید و ناراحت هستید ؟ فرمود : وقتی که منصور لعین خانه ام را به آتش کشید من توی خانه بودم دیدم اهل بیتم از ترس وحشت سر و صدا و شیون می کنند و این طرف و آن طرف می دوند تا آتیش به آنها اثابت نکند ، من بیاد اهل بیت جدم حسین افتادم که روز عاشورا وقتی خیمه ها را آتش زدند و بچه های حسین از ترس و وحشت رو به بیابانها کردند . . . حسین حسین علیه السلام حسین . (۱۷)

نوحه و سینه زنی

صادق آل محمّد کشته شد قلب پاکش از جفا آزرده شد عاقبت از کینه منصور دون سوی جنت با دلی صد پاره شد زهر او در پیکرش بنمود اثر قلب زهرا در جنان افسرده شد در غم و سوک عزا یثرب شده قاتل بی دین او شرمند شد پیکرش بر روی دست شیعیان در بقیع آن جسم اطهر برده شد موسی جعفر عزادار پدر گرد غم بر شیعیان پاشیده شد (۱۸) یا ابا الحسن یا موسی بن جعفر ، أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مُنَّاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ شَفَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

روضه و مصیبت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

کنج زندان بلا مسکن و ماء‌وای من است ناله و آه و فغان مونس شبهای من است جای نمناک و سیه چال و در این کنج قفس سندی شاهک دون باعث غمهای من است یا رب از مجلس هارون ، تو خلاصم بنما رستن از بند عدو حکم تبری من است (۱۹) چهارده سال از این زندان به آن زندان ، یکسال زندان بصره عیسی بن جعفر ، حدوده ده سال زندان فضل بن ربیع و مدت زیادی زندان فضل بن یحیی و این او آخر تحویل سندی بن شاهک یهودی ملعون (پیغمبر فرمود : هیچ قومی مانند یهود مرا اذیت نکرد) هارون رشید لعین به سندی بن شاهک دستور داده ، تا می تونی موسی بن جعفر علیه السلام را اذیت کن و او را از بین ببر . آن یهودی هم بعد از شکنجه های روحی و جسمی امام را با چند خرما زهر آلود مسموم و شهید کرد ، هارون گفت : بدن فرزند زهرا را بدون تشریفات ببرید . جلوی مقابر قریش (در یک فرسخی بغداد) بخاک بسپارید ، جنازه آقا را چهار حمال با خفت و خواری از زندان بیرون آوردند . تا سه روز بدن را آنجا گذاشتند . سلیمان بن ابی جعفر برادر هارون وقتی این وضع اسف بار و خفت بار را دید خیلی متاثر شد ، عمامه خود را از سرش انداخت و گریبان چاک زد و با پای برهنه کنار پیکر فرزند زهرا آمد . (۲۰) دستور داد ، بدن بچه زهرا علیه السلام را با عزت و احترام تشییع کنند ، لکن هر دوست و دشمن که زیر جنازه می رفت و بر می گشت مثل ابر

بهار گریه می کرد، می گفتند: آقا چرا گریه می کنی؟ می گفتند: آخه وقتی زیر جنازه می رفتیم هنوز صدای زنجیر پای مبارکش بگوش می رسید، چون پسر فاطمه وصیت کرده بود مرا با همان غل و زنجیر پیم دفن کنید. (۲۱) درکنج زندان بلا، آه و اوایلا- جان می سپارم ای خدا، آه و اوایلا و اوایلتا و اوایلتا، آه و اوایلا در زیر زنجیر گران، نیمه های شب گریم به یاد کوفه و عمه ام زینب و اوایلتا و اوایلتا، آه و اوایلا در زیر زنجیر گران جان فدا کردم بر جد مظلوم حسین، اقتدا کردم و اوایلتا و اوایلتا، آه و اوایلا ای خاک زندان بلا، قتلگاه تو امشب تا سحر نقش زمین، روی ماه تو و اوایلتا و اوایلتا، آه و اوایلا در گوشه زندان خموش، شد مناجات بعد از شهادت آمدند بر ملاقات و اوایلتا و اوایلتا، آه و اوایلا (۲۲) یا ابا الحسن یا علی بن موسی ایها الرضا یا بن رسول الله یا حججه الله علی خلقه یا سیدنا و مولانا انا تو ججهنا و استشفعنا و توسلنا بک الی الله و قد مناک بین یدی حاجاتنا، یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله.

روضه و مصیبت حضرت امام رضا علیه السلام

آمدم ای شاه پناهم بده خط امانی ز گناهم بده ای حرمت ملجاء در ماندگان دور مران از در راهم بده در شب اول که بقبرم نهند نور بدان شام سیاهم بده ای که عطا بخش همه عالمی جمله حاجات مرا هم بده (۲۳) (آقا امام رضا علیه السلام) فرمود: اباصلت من توی مجلس مامون می روم، اگر دیدی بیرون آمدم عبا بر سر کشیدم، دیگه با من حرف نزن، اباصلت میگه: آقا رفت توی مجلس مامون طولی نکشید بیرون آمد، دیدم حالش منقلب است، عبایش راروی سرش انداخته... داخل خانه شد، صدا زد: اباصلت در خانه را ببند... در اتاق را ببند... فرشها را جمع کن... می خواهم غریبانه جان بدم، اباصلت میگه: در خانه را بستم، در اتاق بستم گاهی می آمدم، توی اتاق نگاه می کردم، می دیدم آقا مثل شخص مار گزیده به خودش می پیچد، هی بلند می شه، هی می شینه، یک وقت دیدم آقا بی اختیار به زمین افتاد. آمدم توی صحن خانه - ناراحت بودم، یک وقت دیدم یک آقازاده ای ۷-۸ ساله ای آن گوشه حیاط پیداش شد، دویدم جلو، آقا جان من که در را بسته بودم، شما از کجا آمدید؟! صدا زد: اباصلت بابام کجاست؟ آن قادری که مرا از مدینه به یک چشم بهم زدن به طوس رسانده قدرت داره که از در بسته هم مرا وارد خانه کند، آمد طرف حجره آقا، من دنبال سر آقازاده آمدم: رفتم بینم این پدر و پسر وقت ملاقات چه می کنند. میگه: یک وقت تا وارد حجره شد، دیدم امام رضا علیه السلام بلند شد بچه اش جواد را بغل کرد میوه دلش، پاره تنش را دو سال ندیده، می گه: آمدم سر به دیوار گذاشتم داخل خانه زار زار گریه می کردم، طولی نکشید یک وقت دیدم آقازاده آمد، اما حالش پریشان است. گفتم: آقا جان چرا ناراحتی؟! صدا زد: اباصلت بابام از دنیا رفت. (۲۴)

نوحه و سینه زنی

اسلام ای شهید خراسان ای پناه دل بی پناهان ای گل پرپر باغ حیدر پاره قلب موسی بن جعفر ای رضا جان، ای رضا جان، ای رضا جان تو جگر گوشه مرتضایی تو علی بن موسی الرضایی جان زهرا و جان جوادت وقت مردن ز ما کن عیادت ای رضا جان، ای رضا جان، ای رضا جان مصطفی را تو نور دو عینی حافظ خون سرخ حسینی یک نظر کن بر این قلب خسته جان زهرای پهلو شکسته ای رضا جان، ای رضا جان، ای رضا جان، (۲۵) یا ابا جعفر یا محمد بن علی ایها التقی الجواد یا بن رسول الله یا حججه الله علی خلقه یا سیدنا و مولانا انا تو ججهنا و استشفعنا و توسلنا بک الی الله و قد مناک بین یدی حاجاتنا، یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله.

روضه و مصیبت حضرت امام جواد علیه السلام

ای ولی کبریا جواد الائمه مظهر جود خدا جواد الائمه مهر جهانتاب آسمان کرامت ابر عطا و سخا جواد الائمه غرق گناهیم همه امید توئی تو رحمت بی منتها جواد الائمه (۲۶) آخ بمیرم امام جواد علیه السلام بیست و پنج سالش بوده، امان از دشمن خانگی، زنش

دختر عبدالله مامون ام الفضل بود، شوهرش را مسموم کرد، وقتی آقا را زهر داد در حجره را بروی آقا بست، پسر فاطمه هی صدا می زد: ام الفضل جگرم از تشنگی می سوزد یک مقدار آب بده ولی این نانجیب اعتنا نمی کرد. امام جواد علیه السلام میان حجره ناله می زد، ام الفضل ترسید صدای ناله آقا به گوش همسایه ها برسد، این نانجیب به کنیزها گفت: برید بشینید و کف بزنید، پسر فاطمه علیه السلام داره ناله می کند، اینها کف می زنند، ای غریب آقا، مظلوم پسر فاطمه علیه السلام. یک وقت دیدند صدای ناله آقا دیگه نمی آید، ام الفضل دستور داد در اتاق را باز کردند، دیدند آقا بالب تشنه جان داده، آیا دستور داد شیعه ها را خبر کنند؟ خیر، این ملعونه دستور داد که بدن آقا را بالای بام ببرند، سه روز بدن بالای بام بوده، یک روز یکی از شیعه ها آمد از دم خانه ام الفضل رد بشه، نگاه کرد طرف بام خانه، دید یک مشت کبوترها بالهایشان را به هم داده اند یک چیزی را سایه کرده اند، یک وقت در خانه وا شد کنیزی بیرون آمد، صدا زد: کنیز بالای بام چیه؟ گفت: مگر نمی دانی؟ گفت: نه! گفت: بالای بام بدن میوه دل زهرا جواد الائمه است. (۲۷)

نوحه و سینه زنی

جواد الائمه تو نور خدائی مه برج احسان تو ابن الرضائی نما یک نگاهی سوی مستمندان تو دریای جودی تو بحر سخائی شهید از ره کین شدی در جوانی توئی روح ایمان رضا بر قضائی اگر زهر کین زد بجانت شراره به بالین نبودت اگر آشنائی بمانند جدت که لب تشنه جان داد پی حفظ اسلام و گشتی فدائی تو با قلب پر خون برفتی ز دنیا ترا شد شهادت حیات نهائی نظر کن ز احسان به جمع محبان توئی مظهر حق توکان عطائی (۲۸) یا اَبَا الْحَسَنِ یا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا یا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

روضه و مصیبت حضرت امام هادی علیه السلام

هادی دین شمس ولایت توئی چشمه احسان و کرامت توئی ای که توئی آینه بوتراب هر دو جهان ذره و تو آفتاب کوثر و لطف و کرم و عدل و داد نور دو چشمان امام جواد معتز پُر کینه و بی عدل و داد عاقبت الامر ترا زهر داد (۲۹) خدا همه خلفای عباسی مخصوصاً متوکل عباسی را لعنت کند، این مرد خیلی خبیث و بد طینت و ظالم بود. (همین بود که راه را به زوار ابی عبد الله الحسین علیه السلام بست و قبر امام حسین علیه السلام را خراب کرد و داد آب انداختند و شخم زدند، اینقدر این مرد ظلم بوده، بقول آقا امیرالمؤمنین علیهم السلام: (عاشرهم اخبثهم)، دهمین خلیفه عباسی بدترین و خبیث ترین و ظالم تر آنها است). این نانجیب خیلی امام هادی علیه السلام را اذیت کرد، اصلاً با آل علی علیه السلام و بچه های زهرا علیهم السلام خیلی دشمنی و کینه عمیقی داشت، رنجها و سختی هایی که در عصر او به آل علی علیه السلام رسید در هیچکدام از خلفای عباسی نرسیده. آن حضرت را می خواست خوار کند از مدینه به سامرا که پایتختش بود دعوت کرد، وقتی حضرت سامرا آمد، آن آقا را تا مدتها در کاروانسرای بی کسان و غریبان و گداهان منزل داد. شب و روز در صدد اذیت و آزار و اهانت به ساحت مقدس امام هادی علیه السلام بود، هر کاری که از دستش بر می آمد نسبت به آقا میکرد. یک مدت در محبس زندان سعید حاجب نگه داشت تا آقا را شکنجه دهد و بکشد. قبری جلوی آقا می کردند که پسر فاطمه علیه السلام را زجرکش کنند. شبانه توی خانه آقا میریختند تا آقا استراحت نداشته باشد، حدود بیست سال آقا را تبعید و دربدر و زندانی کرد. متوکل بخاطر اینکه شکنجه های روحی بدهد آقا را سر سفره شراب می آورد و به آقا تعارف می کرد.... تا پسر زهرا ناراحت بشه. آقا را غریب و مظلومانه و بی کس شهید کردند. وقتی که متوکل بدرک رسید، پسرش المعتز با امام هادی علیه السلام بر خوردهای شدیدی کرد و برای کشتن امام با برادر زاده اش معتمد عباسی همدست شدند، غذایی به زهر آلوده کردند و فرزند زهرا را غریبانه و مظلومانه مسموم و شهید کردند، بمیرم چه

گذشت به امام حسن عسکری توی شهر غریب دور از وطن هیچکس را ندارد. وقت شهادت سر بابا را بدامن گرفت و برای مظلومی و بی کسی باباش امام هادی علیه السلام گریبان چاک زد و غریبانه گریه می کرد. (۳۰) ولی این کار کربلا بر عکس شد پدر سر بالین پسر آمد سر علی اکبر علیه السلام را به دامن گرفت ...

نوحه و سینه زنی

یا علی النقی جانها فدایت شیعیان چشم گریان در عزایت یا حجه الله، اجرک الله سامره در غمش ماتم سرا شد غرق در زاری و شور و نوا شد یا حجه الله، اجرک الله ای دهم حجت خدای منان جان سپردی بمانند غریبان یا علی النقی ای نور یزدان جان سپردی براه دین و قرآن یا حجه الله، اجرک الله جان فدای تو ای امام مظلوم ای به زهر ستم گردیده مسموم یا علی النقی امام هادی ای که از زهر کین از پا فتادی یا حجه الله، اجرک الله یا ابا محمد یا حسن بن علی، ائها الزکی العسکری یا بن رسول الله یا حجه الله علی خلقه یا سیدنا و مولانا انا توجهننا و اشتشفعنا و توسلنا بک الی الله و قد مناک بین یدئ حاجاتنا یا وجیهاً عند الله اشفع لنا عند الله.

روضه و مصیبت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

شهید زهر جفا یا حسن عسکری کشته راه خدا یا حسن عسکری پور علی النقی سرور اهل یقین کن نظری از کرم به زمره مؤمنین شفیع روز جزا رهبر دنیا و دین نتیجه طا و ها یا حسن عسکری (۳۱) بمیرم، امام حسن عسکری علیه السلام ۲۸ ساله بوده، خدا لعنت کند خلفای عباسی را که چقدر ظلم کردند و بچه های زهرا علیهم السلام را اذیت کردند، متوکل یک جور، پسر لعینش المعتز یک جور، مهتدی با الله جور دیگر، معتمد هم ...، عصر امامت امام حسن عسکری علیه السلام مصادف با حکومت سه طاغوت بود که گفتیم: المعتز، المهتدی، المعتمد که خدا هر آن به آن عذاب همه شان را زیاد کند، آن بزرگوار از ناحیه این سه ظالم چه ستمها و شکنجه ها و آزارها و اهانت ها و زندانها که ندید. امام حسن عسکری علیه السلام در دوران امامت و زندگیشان همیشه تحت نظر و فشارهای سخت و همیشه توی زندانها بسر می برده، به رئیس زندان صالح بن وصیف گفته بود تا می تونی توی زندان زندگی را به فرزند زهرا تنگ کن و سخت بگیر. صالح هم دو نفر مامور مخصوص شکنجه و آزار حضرت کرده بود، و سخت می گرفت، یک مدتی هم در زندان نحریر خبیث ترین افراد و خشن ترین اشخاص است و آنها هم از شکنجه هر چه از دستشان بر می آمد انجام می دادند. هر چه زنش می گفت: اینقدر بچه های زهرا را اذیت نکن از خدا بترس، می ترسم خدا بلایی سرت بیاورد، ولی آن نانجیب گوش نمی کرد و لج می کرد و می گفت: امروز امام شما را توی باغ وحش می اندازم که خوراک حیوانات درنده شود. وقتی این کار را کرد، دید تمام حیوانات دور فرزند زهرا علیه السلام را گرفته، گریه و خروش خوش آمد و صورت روی قدمهای حضرت می گذارند... آقا یک مدت در زندان علی بن حزین، یک مدت در زندان علی بن اوتاش که آن هم از افراد بی رحم خوانخوار بود و از دشمنان سر سخت آل محمد علیهم السلام بود و به او دستور داده بودند بچه های زهرا علیه السلام را هر جور شکنجه و آزاری می خواهی بده، و معتمد لعین بطور مرموزی که کسی متوجه نشود، فرزند زهرا را زهر داد و مسموم کرد. بمیرم نمی دانم این چه زهری بود که تمام قدرت حضرت را گرفته بود که امام حسن عسکری علیه السلام می بیهوش می شد و بیهوش می آمد تا اینکه یک وقت دیدند آقا جان داده ... (۳۲)

نوحه و سینه زنی

گشت بابای تو مسموم از جفایابن الحسن سوخت از زهر ستم سر تا به پا یابن الحسن من نمی دانم چه زهری بود آن زهر جفا کرد او را از عزیزانش جدا یابن الحسن عسکری شد کشته از زهر جفای معتمد عالمی ماتم سرا شد زین عزا یابن الحسن شد نه تنها قلب

پاکت در عزایش داغدار سوختی چون شمع در این ماجرایابن الحسن لیک از داغ حسین نوجوانانش مدام اشک میباری بهر صبح و مسا یابن الحسن گاه یاد ذوالجناح و یال خونین می کنی آن زمان کامدبسوی خیمه ها یابن الحسن (۳۳) یا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الْحُجْبَةَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجْبَةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

فراق امام زمان

ای نور چشم زهرا یا بن الحسن کجائی ای شمس آل طاها یابن الحسن کجائی جانهای عاشقانت بر لب رسیده شاها خورشید عالم آرا یابن الحسن کجائی از مرحمت نگاهی خون شد دل فکارم دریاب عاشقان را یابن الحسن کجائی تا کی تو اندر این دل هجر تو را تحمل بر لب رسیده جانها یابن الحسن کجائی (۳۴) یکی از وظایف ما در زمان غیبت حضرت حجه بن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین له الفداء در فراق آن حضرت مهموم و مغموم و گریان شدن است و این کار یکی از نشانه های دوستی و اشتیاق به آن حضرت است ، گریه برای آن حضرت از شدت شوق باید مثل کسی باشد که مریض است و دلش از شدت درد می جوشد ، انس والفت به امام را در دل خود زیاد کنید ، چون امام صادق علیه السلام فرمود : هر کس دلش بخاطر ما به درد آید و گریان شود وقت مرگ با ملاقات مادش شاد می شود . بمیرم برای امام زمان که چه مصیبتها کشیده و می کشد که قابل شمارش نیست ، خود امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفُ برای مصیبتهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و دختر عزیزش حضرت زهرا علیها السلام و ائمه و همه مردان خدایی که در راه اسلام کشته و شهید و مجروح شده اند . و برای مصیبتهای جانسوز و غمباری که بر جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام وارد شده که هیچ کس عمق این فاجعه را مثل امام زمان (عج) درک و لمس و حس نمی کند . آن حضرت به یاد مصائب جانگداز و جگر سوز امام حسین علیه السلام می فرماید : اگر زمانه بین من و شما را تاخیر انداخت و در آن زمان نبودم شما را یاری کنم اما حالا هر روز و شب به یاد مصیبتهای درد ناک شما گریه می کنم و از صبح تا شب ندبه و گریه می کنم و اگر اشکم تمام شود در عوض خون برایت گریه می کنم ، یا جدا فراموش نمی کنم ، آن وقت و ساعتی را که عمر سعد معلون به لشکرش دستور داد : نگذارید آب به خیام حرم حسین وارد شود ، و همه بشما حمله کردند و بدن نازنین شما را آماج تیر و نیزه ها قرار دادند و از هر سو شما را محاصره کردند و هر کدام با اسلحه ای بدن شما را مجروح کردند و داغ زخم بر بدنت گذاشتند . (۳۵)

نوحه و سینه زنی

زنم هرشب از دل صدایت تا کنم جان خود را فدایت دل زهجرتو دریای خون است ای بقربان قد رسایت با مژه خاک راه تو روبم سویم از مرحمت کن عنایت عاشقم من برجمالت در کجائی باشدم دل در خیالت در کجائی (۳۶)

دعای توسل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، يَا حُجْبَةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بَنَ رَسُولِ

اللّٰهُ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ، يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا أَبَا جَعْفَرَ يَا مُحَمَّدَ ، بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ، أَيُّهَا الصِّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ . إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ ، أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ . إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى أَيُّهَا الرِّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ . إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا أَبَا جَعْفَرَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا التَّمِيمِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ . إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الْهَادِي التَّقِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ . إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسِيكَرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ . إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أَيْمَتِي وَعِدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ ، وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ ، وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ ، فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ ، وَاسْتَنْفِذُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ ، فَإِنَّكُمْ وَسَيْلَتِي إِلَى اللَّهِ وَبِحُجَّتِكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ . أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ ، فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَلَعَنَّ اللَّهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ . آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

پی نوشتها

۱) جلالیون ۱ . ۷۴ ، ۷۵ باب زندگانی ووصایای آن حضرت درباره حضرت فاطمه (س) ۲) جلال‌العیون ۲ . ۵۸۹ وقایع بعد از شهادت ۳) سوگنامه اهل بیت ۲۵ . ۴) جلال‌العیون ، ج ۱ ، کیفیت شهادت آن حضرت ۵) ج ۲ وقایع روز عاشورا ۶) شعر : از کتاب نغمه های کربلا ، ج ۲ ، ۳۷ ، ۷) جلاء العیون ج ۱ کرامات الفاطمیه قسمت سوگنامه ۸) جلال‌العیون ج ۱ ، بلبل بوستان حضرت مهدی ج ۲ . ص ۱۴۱ . ۹) جلال‌العیون ج ۱ ، بلبل بوستان حضرت مهدی ج ۲ . ص ۱۴۱ . ۱۰) ناسخ تواریخ زندگینامه امام حسین علیه السلام وبلبل بوستان حضرت مهدی ج ۳ ص ۲۱۶ (۱۱) نغمه های کربلا ج ۱ ص ۷۱ . ۱۲) جلاء العیون ج ۲ زندگانی وشهادت حضرت امام سجاد . ۱۳) نغمه های کربلا ج ۲ ص ۱۵۸ . ۱۴) نغمه کربلا ج ۲ ص ۱۴۶ . ۱۵) جلال‌العیون ج ۲ شرح وفات ووصیت آن حضرت (امام باقر (ع) ۱۶) نغمه های کربلا ج ۲ ص ۱۶۵ . ۱۷) جلال‌العیون ج ۲ قسمت شهادت آن حضرت (امام صادق (ع) ۱۸) دیوان محبت ص ۱۴۰ . ۱۹) دیوانه محبت ۱۴۵ . ۲۰) جلاء العیون ج بخش ستمهای وارده بر آنحضرت (موسی بن جعفر (ع) ۲۱) منهاج البیان ۳۳۵ . ۲۲) سوگنامه اهل بیت علیهم السلام ۱۵۲ . ۲۳) لاله های عشق ۲۱۰ . ۲۴) جلاء العیون ج ۲ احوالات وشهادت امام رضا (ع) (بلبل بوستان مهدی (عج) ج ۳/۲۵) داستانهایی از امام رضا (ع) ۱۸۴ . ۲۶) آینه درارن نور ۱۳۴ . ۲۷) جلال‌العیون ج ۲ شهادت آن حضرت - بلبل بوستان حضرت مهدی ج ۳ ص ۲۱۲ . ۲۸) نغمه های کربلا ج ۱ ص ۱۳۶ .

۲۹) آینه داران نور ۱۴۰۳ (ج ۲ شهادت آن بزرگوار ۳۱) شعر: از نغمه های کربلا، ج ۱، ۱۴۴. ۳۲) جلاء العیون ج ۲ قسمت شهادت آن حضرت ۳۳) شعر: از نغمه های کربلا، ج ۳ ص ۱۸۱ (۳۴) دیوان لاله های محبت، ص ۹۰. ۳۵) الوقایع والحوادث ج ۳، ص ۳۰۱. ۳۶) دیوان لاهای محبت، ص ۷۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲

(۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵ نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شب: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام:- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها شدن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

